

# بسم الله الرحمن الرحيم

بسم تبارکی

حلبه دفاعیه بیان نامه کارشناسی ارشد  
آقای احمد رضا مفتاح تحت عنوان «عمل و  
دین از دیدگاه امام خمینی» در تاریخ ۲۸/۶/۷۷  
تسلیم شد و پس از استماع خطابه دفاعیه  
و طرح پاسخ از جانب استادی، نمره آن ۱۸  
و درجه نوبت از طرف تصفیه گردید.

امین الله

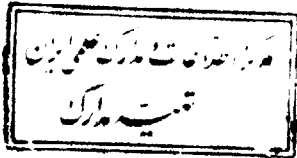
محمد  
نور

۲۴۴۱۲

دانشگاه شهید بهشتی  
دانشکده ادبیات و علوم انسانی  
پایان نامه کارشناسی ارشد

رشته فلسفه

۱۳۳۵ / ۲ / ۲۰



موضوع:

عقل و ایمان

از دیدگاه توماس آکوئینی

استاد راهنما:

دکتر محمد ایلخانی

استاد مشاور:

دکتر نصرالله حکمت

نکارش:

احمد رضا مفتاح

۲۴۴۱۴

۱۲۹۱/۲

## تقدیر و تشکر:

### به نام آنکه جان را فکرت آموخت

حمد و سپاس خدای سبحان را که بر آدمیان منت نهاد و آنان را از دو نعمت بزرگ عقل و ایمان بهره‌مند ساخت. سپاس خدای را که به انسانها عقل عطا فرمود تا در پرتو نور آن، حق را از باطل تمییز دهند و در پی کمالات برآیند. و سپاس خدای را که پیامبران را فرستاد تا مشتاقان را به نور ایمان جانی دوباره بخشند و سعادت و رستگاری را به ارمغان آورند. و خدای را سپاسگزاریم که نعمت را بر ما تمام کرد و دین مبین اسلام را به عنوان کاملترین ادیان به ما ارزانی داشت. و پیامبر اسلام و ائمه اطهار را درود می‌فرستیم که واسطه‌های فیض و رحمت الهی‌اند.

و اما رساله حاضر که حاصل حدود یک سال پژوهش می‌باشد، زیر نظر و راهنمایی استاد گرانقدر جناب آقای دکتر محمد ایلخانی انجام شده است. بدین وسیله از زحمات بی‌شائبه ایشان صمیمانه قدردانی می‌کنم که شاگرد پروری کردند و استادانه نوشته‌های ناچیز اینجانب را خواندند و راهنماییها، اصلاحات و انتقادات ارزنده‌ای ارائه نمودند. و اگر در نوشته حاضر نقصی مشاهده شود، متوجه اینجانب است که چه بسا راهنماییهای استاد را آنطور که باید به کار نبسته باشم.

همچنین از استاد مشاور جناب آقای دکتر نصرالله حکمت که از سر تواضع و

بزرگواری نظارت بر این رساله را پذیرفتند، تشکر و قدردانی می‌کنم.

در اینجا فرصت را مغتنم شمرده و از تمامی اساتیدی که در محضرشان با فلسفه آشنا شدم، بخصوص اساتید و مدیریت گروه فلسفه دانشگاه شهید بهشتی سپاسگزاری می‌نمایم و امید آن دارم که این پژوهش مختصر سرآغازی بر پژوهشهای آتی باشد و بتوانم از محضر اساتید گرامی بهره‌مند باشم.

در پایان از همکاری و مساعدت مسئولان و دست اندرکاران «مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب» و «مؤسسه آموزشی، پژوهشی امام خمینی» که امکانات پژوهشی خود را در اختیار اینجانب قرار دادند، صمیمانه تقدیر و تشکر می‌نمایم و توفیق روز افزون همگان را از خداوند متعال خواهانم.

من الله التوفیق و علیه التکلان

احمد رضا مفتاح

## فهرست مطالب

۱.....	مقدمه
۲.....	تاریخچه بحث
۳.....	نظریه لوگوس
۹.....	پولس
۱۲.....	یوستینوس
۱۴.....	ترتولیانوس
۱۵.....	آگوستینوس
۱۷.....	اسکوتس اریگنا
۱۸.....	آنسلم
۱۹.....	ابن رشد
۲۲.....	بوناوتتورا
۲۴.....	توماس آکوئینی
۳۰.....	فصل اول = ایمان
۳۲.....	موضوع ایمان
۳۷.....	تعریف ایمان
۴۰.....	اصول ایمان
۴۵.....	فعل ایمان
۴۵.....	فعل درونی ایمان (ایمان آوردن و اعتقاد داشتن)
۴۷.....	اراده و ایمان

۵۷	ایمان با صورت و ایمان بی صورت
۶۲	علت ایمان
۶۵	<b>فصل دوم = عقل</b>
۶۷	کیفیت شناخت
۷۰	عقل فعال
۷۲	عقل و اراده
۷۹	عقل و فهم
۸۲	محدودیت عقل در شناخت خدا
۸۸	احتمال خطا در عقل
۸۹	<b>فصل سوم = الهیات عقلی</b>
۹۱	هماهنگی عقل و ایمان
۹۶	اثبات وجود خدا
۱۰۵	شناخت خدا از طریق مخلوقات
۱۱۰	شناخت صفات خدا از طریق سلبی
۱۱۳	خلقت
۱۱۵	رابطه مخلوقات با خدا
۱۱۹	سعادت انسان
۱۲۰	نتیجه بحث
۱۲۳	<b>کتابنامه</b>
۱۲۴	منابع انگلیسی
۱۲۶	منابع عربی
۱۲۶	منابع فارسی
۱۲۷	مقالات

# مقدمه

### تاریخچه بحث:

رابطه میان عقل و ایمان یکی از مهمترین مسائل فلسفه دین است که مورد توجه فیلسوفان و متکلمان بسیاری بوده است. و امروزه نیز رواج بسیاری دارد. مسائلی از قبیل این که: آیا ایمان امری معقول یا نامعقول است؟ آیا حقانیت اعتقاد دینی قابل اثبات عقلی است؟ و حتی اگر این حقانیت قابل اثبات باشد، آیا اثبات آن برای دین اهمیتی دارد؟ رابطه بین اعتقاد دینی و شناختی که ما از چیزهای مختلف داریم چگونه است؟ و مانند آن. در این زمینه دیدگاههای مختلفی مطرح بوده است. برخی به عقلگرایی افراطی گرائیده‌اند و اعتقاداتی را قابل پذیرش می‌دانند که بتوان آن را بوسیله عقل اثبات کرد. و در مقابل آن، دیدگاه ایمان‌گرایی قرار دارد که ایمان را بر حجیت خودش استوار می‌دانند و می‌گویند نیازی به ادله عقلی وجود ندارد و برخی نیز راه میانه و معتدل را برگزیده‌اند.<sup>(۱)</sup>

✕ در این نوشتار محور بحث ما رابطه عقل و ایمان از دیدگاه توماس اکوئینی یکی از بزرگترین متکلمان و فیلسوفان مسیحی است. که بهترین راه حل این مسأله را تا زمان خودش بیان کرده است و با تفکیک قلمرو ایمان و فلسفه این رابطه را در یک موضع معتدل قرار داده است. اما با توجه به این که توماس در این راه مدیون و وامدار پیشینیان خویش است، قبل از این که به نظرات او بپردازیم، ریشه‌های بحث را در گفته‌های چند تن از قدیسان، متألهان و فیلسوفان



پیش از او مورد بررسی قرار می‌دهیم. و گرچه رابطه عقل و ایمان در فلسفه یونانی مآب نیز مطرح بوده است و لیکن بحث را با توجه به دین مسیحیت و فلسفه قرون وسطی دنبال می‌کنیم که بیشتر معرکه آراء بوده است.

رابطه بین فلسفه و دین یکی از مهمترین مسائل فلسفه قرون وسطی است. کلیسای کاتولیک بر آن بود که حقیقت کامل و مطلق را مسیح پسر خدا با تجسدش به بشر اعطا کرده است و شناخت خارج از مسیحیت ممکن نیست و دست آورد شیطان است بدین ترتیب فلسفه به عنوان تفکر بشری و جدا از منبع وحی، شیطانی و فاسد دانسته می‌شد و در مقابل حکمت الهی قرار می‌گرفت. و در مقابل حکمت مسیحی که منشأ الهی داشت فلسفه یونانی - رومی بود که انسان با عقل خود آن را ساخته بود و می‌خواست با آن به حقیقت دست یابد. اکثر قریب به اتفاق متفکران قرون وسطی درباره این دو نظام فکری به تحقیق پرداختند.<sup>(۲)</sup> البته برخی از آنان بطور ضمنی و غیر مستقیم به این مسأله اشاره کرده‌اند و برخی همچون انسلم و توماس اکوئینی بطور مستقیم این بحث را مطرح کرده‌اند.

و اما بحث را از انجیل یوحنا شروع می‌کنیم، چرا که «یوحنا با استفاده از مفهوم لوگوس، خواست عقیده‌اش را با مفاهیم فلسفی معاصرش توضیح دهد».<sup>(۳)</sup>

#### نظریه لوگوس<sup>(۴)</sup>

لوگوس واژه‌ای است یونانی به معنای سخن و عقل. برای این که به توحید کتاب عهد عتیق خدشه‌ای وارد نشود یوحنا در انجیل خود از لوگوس به معنی «کلمه» سخن می‌گوید: خدای بنی اسرائیل خدایی است که سخن می‌گوید و سخن او را می‌توان شنید، او با کلمه و سخن، خلق

۲- محمد ایلخانی، مفهوم فلسفه از دیدگاه بوئتیوس، مجله معارف، دوره چهاردهم، شماره ۲ مرداد - آبان ۱۳۷۶، ص ۱۰۴.

۳- محمد ایلخانی، تالیث از ...، مجله معارف، دوره دوازدهم، شماره ۳، آذر - اسفند ۱۳۷۴، ص ۷۹.

۴- لوگوس (Logos) از ریشه *leog - legein* به معنی گفتن است و در زبان یونانی این کلمه به معانی متعددی اطلاق می‌شود. از جمله: گفتار، سخن، دلیل، برهان، کلمه، جمله، تعریف یا حد منطقی. کلمه قصار، اصل و مبدأ، عقل، قوه استدلال و غیره.

می‌کند. قبل از این که جهان خلق شود، کلمه خالق خدا وجود داشت. همین «کلمه» است که به پیامبران وحی شده است تا این که زمان مناسب رسید و در وجود باکره مقدس تجسم یافت. (۵)

با توجه به این که «کلمه» محور تمام تعالیم مسیح و قلب تپنده انجیل یوحنا است و قوام انجیل یوحنا بر مبنای آن است، گرچه به قول شارحین، یوحنا اصطلاح «کلمه» را بجز در موارد معدودی بکار نبرده است، اما حقیقت این است که «کلمه» محور انجیل یوحنا و خلاصه الهیات اوست (۶). و نیز با توجه به این که یوحنا متعلق به جامعه یونانی مآب یهودی است که مسیحی شده است، و یوحنا این مفهوم را تحت تأثیر فکر یهودی و فلسفه یونانی مآب اتخاذ کرده است، شاید خالی از فایده نباشد که به ریشه‌های این مفهوم در فکر یهود و فلسفه یونان اشاره کنیم تا به رابطه‌ای که یوحنا میان دین و فلسفه برقرار کرده است بهتر پی ببریم و ببینیم او چگونه این حقیقت واحد را بیان کرده است که برای اهل دین و فلسفه قابل فهم می‌باشد.

«کلمه» در فکر یهود:

۱- چهار عامل باعث شکل گرفتن «کلمه» در فکر یهودی شده است: ۱- نزد یهود «کلمه» بیش از یک لفظ منطوق معنی داشته است. کلمه دارای قدرت و نیروی فاعلی بوده است. نزد عبرانیان کلمه منطوق با ابهت و ترسناک بوده است و همچون تیری بوده که به هدف اصابت می‌کند. (۷)

۲- در عهد عتیق آیات متعددی به قدرت کلمه اشاره دارد. خداوند با سخن خودش خلق می‌کند، می‌گوید «باش» آنگاه تحقق می‌یابد. همانطور که در آغاز کتاب پیدایش هر بخش آفرینش با سخن خدا شروع می‌شود: «و خدا گفت روشنایی بشود و روشنایی شد...»، «و خدا گفت فلکی باشد...» (سفر پیدایش ۱: ۳، ۶، ۱۱) (۸) کلمه الله قدرت جبار خداست که هر چیزی را از عدم

۵- محمد ایلخانی، تثلیث از ...، ص ۷۹.

۶- ال‌اب متی المسکین، شرح انجیل القدیس یوحنا، القاهره، ۱۹۹۰، الجزء الاول، ص ۲۹.

۷- و لیم بارکلی، تفسیر العهد الجدید، ترجمه الدكتور عزت زکی، دارالتقافه، القاهره، ۱۹۸۳، ص ۳۹.

۸- ترجمه آیات کتاب مقدس از روی ترجمه قدیمی کتاب مقدس با اندکی تصرف در برخی موارد نقل شده است.

می‌آفریند:

«به کلام خداوند آسمانها ساخته شد». (مزمور ۶:۳۳)، «کلام خود را فرستاد، ایشان را شفا بخشید.» (مزمور ۱۰۷:۲۰). و از زبان ارمیاء نبی نقل شده: «و خداوند می‌گوید: آیا کلام من مثل آتش نیست و مانند چکشی که صخره خورد می‌کند.» (ارمیاء نبی ۲۰:۲۳۰)<sup>(۹)</sup>

۳- حدود صد سال قبل از آمدن مسیح، حیات عبرانی دچار تحول شد و زبان عبرانی به فراموشی گرایید و عموم مردم به زبان آرامی گرایش پیدا کردند تا جایی که بجز تعداد کمی از علماء کتب مقدس عبرانی را نمی‌فهمیدند، از این رو لازم بود که کتب مقدس به زبان آرامی ترجمه شود و در زمان ترجمه کتب مقدس عظمت و علو مقام الهی بر افکار سیطره داشت و خدا را برتر از تصورات و تشبیهات بشری می‌دانستند. از این رو مترجمین نیز خوف داشتند که صورتهای مادی و تشبیهات حسی را به خدا نسبت دهند، و تلاش می‌کردند ذات الهی را از این صورتهای و استعارات مادی و بشری پیراسته کنند. بنابراین از ذات خدا به عنوان «کلمة الله» تعبیر کردند به عنوان مثال این آیه که می‌گوید: «موسی قوم را برای ملاقات خدا از لشکرگاه بیرون آورد» (سفر خروج، باب ۱۷:۱۹) چنین ترجمه کردند «موسی قوم را برای ملاقات کلمة الله از لشکرگاه بیرون آورد». البته منظور علما یهود تغییر کلمات وحی نبوده است بلکه بخاطر پرهیز از صفات و استعارات بشری بوده است. و بدین ترتیب «کلمة الله» جزو قاموس الهیات یهود گردید.<sup>(۱۰)</sup>

۴- در این مجال از تأثیر فکر یونانی مآب بر فکر یهودی نباید غفلت کرد. لوگوس نزد یونانیان به معنای کلمه، فکر یا عقل بود و هر دو معنا در ذهن اندیشمندان یهود و قدیس یوحنا بود. و به هنگام صحبت از «کلمه» منظورشان عقل خدا و کلمة الله بود. این معنی از جاهای مختلف کتب حکمت روشن می‌شود. بطوری که در فکر یهود حکمت و عقل دو تعبیر از شی واحد تلقی می‌شدند. «خداوند به حکمت خود زمین را بنیاد نهاد و به عقل خویش آسمان را

۹- تفسیر العهد الجديد، ص ۴۰ - ۴۱.

۱۰- تفسیر العهد الجديد، ص ۴۲ - ۴۳.

واحد تلقی می‌شدند. «خداوند به حکمت خود زمین را بنیاد نهاد و به عقل خویش آسمان را استوار نمود.» (امثال سلیمان ۳: ۱۹ - ۲۰)، «حکمت را تحصیل نما و فهم را پیدا کن ... زیرا که حیات تو است.» (امثال سلیمان ۴: ۵ - ۱۳). پس در کتاب سلیمان از حکمت به عنوان قدرت خلّاق و ازلی خداوند نام برده می‌شود. بنابراین حکمت و کلمه واسطه‌های خلقت خداوند هستند و اراده خدا را به قلبها و عقلهای مردم می‌رسانند.<sup>(۱۱)</sup>

فیلون یهودی (حدود ۲۰ قبل از میلاد) نیز به اسرار لوگوس پرداخت. وی به تبع رواقیان لوگوس را سبب خلقت عالم و اساس تمام کائنات می‌دانست. و همانطور که هراکلیتوس عقیده داشت، لوگوس مبدأ ثبات و قانونمندی و توازن در عالم است. و نیز لوگوس واحد و تقسیم ناپذیر است و به موجودات نیز وحدت می‌بخشد. تمام اجزاء عالم را در بر می‌گیرد و در همه جا هست. بنابراین عالم معقول دارای وحدت جوهری می‌باشد. علاوه بر این لوگوس عقل خدا و محلّ مثل خداست، از ازل بوده و واسطه خلقت هستی است. همچنین لوگوس رسول الهی و پسر خداست.<sup>(۱۲)</sup>

و اما تاریخ لوگوس در یونان به هراکلیتوس (۵۶۰ قبل از میلاد) برمی‌گردد. با توجه به این که محور فلسفه هراکلیتوس این بود که هر چیزی در سیلان و سیروورت است، بدنبال مفهوم ثابتی بود که نظام طبیعت را هدایت کند و آن مفهوم حاکم بر امور، لوگوس، کلمه و عقل بود. لوگوس نه تنها مثال عالم طبیعت بود بلکه مثال در هر حیات و هر پدیده‌ای بود. و از این بالاتر این که لوگوس در اعماق وجود انسان است و به انسان قدرت تأمل و شناخت حق و تمییز حق از باطل عطا می‌کند.<sup>(۱۳)</sup> به هر حال در نظر وی لوگوس اصل و مبدأ عالم و اصل معقولیت همه چیز است.

۱۱- تفسیر العهد الجديد، ص ۲۳ - ۴۴.

۱۲- برای توضیح بیشتر رجوع کنید به:

امیل برهیه، الاراء الدینیه و الفلسفیه ل (فیلون الاسکندری)، ترجمه الدكتور محمد یوسف موسی و الدكتور عبدالحلیم

النجار، القاهره، ۱۹۵۴، ص ۱۲۱ - ۱۵۷.

۱۳- تفسیر العهد الجديد، ص ۴۵.

در نظام فلسفی افلاطون و پیش از آنان به جای لوگوس از نوس<sup>(۱۴)</sup> استفاده کرده‌اند و اجمالاً فرق میان آن دو در این است که نوس جنبه تنزیهی و لوگوس جنبه تشبیهی دارد. نوس به عنوان جوهر مجرد، مفارق از ماده و عوامل مادی است. اما لوگوس در عین تنزیه، حال در همه چیز است و به قول هراکلیتوس، اصل یگانه همه چیز است. فقط در نو افلاطونیان میان این دو نظریه، وحدت و تلفیقی ایجاد می‌شود.<sup>(۱۵)</sup>

نظریه لوگوس در فلسفه رواقی اهمیت خاصی می‌یابد. از نظر رواقیان، لوگوس اصل عالم است. جنبه الوهی دارد، بلکه خود عین خداست. حقیقت لوگوس در همه موجودات عالم تجلی و ظهور دارد. رواقیان از ظهور لوگوس در هر چیزی به عقل پذیری یا «کلمه عقلی آن چیز»<sup>(۱۶)</sup> تعبیر می‌کرده‌اند. برای رواقیان نیز مانند هراکلیتوس زندگی نیک، زیستن به فرمان لوگوس است. نظریه لوگوس یا کلمه در مسیحیت اهمیت خاصی می‌یابد. لوگوس در نزد آباء کلیسا به حقیقت مسیح تعبیر شده است و پیداست که نظریه لوگوس در مسیحیت شباهتهایی با همان نظریه نزد هراکلیتوس، رواقیان و نو افلاطونیان دارد.<sup>(۱۷)</sup>

از این رو یوحنا بهترین طریق برای رسیدن به دل‌های مردم خویش را در این می‌بیند که با کلمه آغاز کند. کلمه‌ای که صرف لفظ نیست، بلکه دارای نیروی فاعلی است. کلمه‌ای که خلق کننده جهان است. کلمه‌ای که از آن به عقل خدا تعبیر شده است و خطاب به مردم می‌گوید: «اگر می‌خواهید کلمه ازلی خدا را ببینید و قدرت خلاق الهی را که هستی را آفرید و نور و حیات به انسان بخشید، مشاهده کنید، به عیسی مسیح روی آورید که او کلمه الله است»<sup>(۱۸)</sup>.

و نیز با توجه به این که کلمه نزد فکر یونانی ماب، قدرت خلاق خدا، حاکم و راهنما و

14 - NOUS.

۱۵- غلامرضا اعوانی، عقل و وحی در اسلام و مسیحیت، مجموعه مقالات دومین سمپوزیوم اسلام و مسیحیت ارتدکس، مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگی بین المللی، ۱۳۷۴، پا نوشت ص ۲۰ - ۲۱.

16 - Logos spermatikos.

۱۷- همان مأخذ.

۱۸- تفسیر العهد الجديد، ص ۴۶.

گرداننده همه هستی است و در اعماق وجود انسان جای دارد و به انسان قدرت تأمل و تفکر می‌دهد، تا به معرفت برسد؛ از این رو یوحنا خطاب به یونانی مآبها می‌گوید: «شما در زمانهای طولانی درباره کلمه اندیشیده‌اید و درباره آن نوشته‌اید و کلمه را به عنوان قدرت خالق و گرداننده هستی و نیروی متفکر در وجود انسان دانسته‌اید، این لوگوس که کلمه الله و عقل خداست در این عالم در شخص عیسی مسیح متجسد شده است. و به این صورت یوحنا، یهود و یونانی مآبها را به معنای لوگوس و کلمه الله راهنمایی کرد که کلمه الله و قدرت خالق و نورانی دهنده هر عقل، عیسی مسیح است.»<sup>(۱۹)</sup>

یوحنا انجیل خود را چنین آغاز می‌کند: «در ابتدا کلمه بود و کلمه نزد خدا بود و کلمه خود خدا بود...» مقدمه انجیل یوحنا به هفت بخش تقسیم می‌شود که هر یک بنحوی با «لوگوس» در ارتباطند. ۱- کلمه و الوهیت، که به ازلیت و ابدیت و الوهیت لوگوس اشاره می‌کند. ۲- کلمه و خلقت، که مقام لوگوس را با خدا برابر می‌داند و او را به عنوان خالق ذکر می‌کند. ۳- کلمه و حیات، که لوگوس سرچشمه حیات و نور آدمیان است.

۴- کلمه و جهان، کلمه بالاتر از روح عالم هستی است چرا که جهان به واسطه او آفریده شده است و جهان او را شناخت. ۵- کلمه و انسان، که به تماس عیسی با نزدیکانش اشاره دارد. «بنزد خاصان خود آمد...» اما قوم او آنطور که انتظار می‌رفت او را نپذیرفتند. ۶- تجسم کلمه، «کلمه جسم گردید» او خود را در شخصیت انسانی نشان داد و میان انسانها ساکن شد تا او را ببینند و صدایش را بشنوند و جلال او را مشاهده کنند. ۷- ظهور کلمه، هر چند وجود خدا هرگز برای انسان فانی قابل رؤیت نبوده ولی شخصیت او را می‌توان در «پسر» که تجلی کامل حیات و محبت پدر است مشاهده کرد.<sup>(۲۰)</sup>

ناگفته نماند که «پدران مدافعان نیز که در نیمه دوم قرن دوم میلادی سعی داشتند مسیحیتی

۱۹- تفسیر العهد الجديد، ص ۴۷.

۲۰- مریل سی‌تنی، انجیل ایمان، ترجمه ساروخاچیکی، انتشارات آفتاب عدالت، ۱۳۵۹، ص ۴۰-۴۸.

قابل قبول و جلب کننده به یونانیان و یونانی مآبان تحصیلکرده معرفی کنند، با توجه به آیات نخست انجیل یوحنا و نیز با استفاده از مفاهیمی که از فلسفه‌های یونانی مآب بدست آورده بودند بخصوص از فیلون اسکندرانی که موضوعات کتاب مقدس را با عقاید افلاطون و رواقی همراه کرده بود نظریه لوگوس خالق را وام گرفتند و به تبیین مفهوم تثلیث پرداختند، و نظریه خود را برای متفکران یونانی مآب قابل درک کردند. پدران مدافع با استفاده از مفاهیم رواقی برای توضیح و تبیین رابطه بین خدا و لوگوس از رابطه فکر و سخن بحث می‌کردند. فکر کلمه‌ای است داخلی و وقتی تبدیل به سخن می‌شود به صورت کلمه‌ای خارجی به زبان آورده می‌شود. خداوند فکر است و کلمه داخلی است و عیسی مسیح کلمه خارجی یا به زبان آورده است. (۲۱)

در اواخر قرن سوم لوگوس در جملاتی که ایمان را با آن اعلام می‌کنند، وارد می‌شود. در قطعنامه شورای قیصریه چنین آمده است: «ما به خدای واحد ایمان داریم ... و به عیسی مسیح کلمه (لوگوس) خدا...» ولیکن استفاده‌ای که تمام متکلمان از نظریه لوگوس می‌کنند، یکدست نیست، برای عده‌ای لوگوس تنها کمکی است برای بیان ساختار ایمان، در حالیکه برای دیگران بنیان و اساس نظریه‌ای است درباره خدا و جهان که با مبانی مسیحیت سازگار است. البته در هر دو حوزه کلامی سعی متکلمان در پیراستن هر چه بیشتر مسیح شناسی لوگوس از موضوعات و مفاهیم پیش از حد فلسفی بود. نزد اوریگنس، جهان شناسی نظریه لوگوس را توجیه می‌کند. لوگوس به سبب این که مستقیماً و بدون واسطه از خدا مولود شده، خود را از دیگر مخلوقات متمایز می‌کند. اما اگر با خدای نامولود مقایسه شود در مرتبه موجودات قرار می‌گیرد. (۲۲)

### پولس

با این که پولس خود فلیسوف نیست، شیوه فکر او در سراسر دوره تحوّل فکر مسیحی نافذ

۲۱- محمد ایلخانی، تثلیث از .....، ص ۸۳ - ۹۴.

۲۲- همان مأخذ.